فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره ۲۷، بهار ۱۳۹۹، صص ۵۰-۳۹ New Period, No 27, 2020, P 39-50
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

نقش شخصیت امام خمینی (ره) در انقلاب

دکتر صونا دریغ
عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران

چکیده
پیروزی معجزه آسای انقلاب اسلامی که مهمترین واقعهٔ قرن بیستم در ایران است، بدون رهبری پیامبرگونه امام خمینی، در شروع و استمرار انقلاب، امکان پذیر نبود. مشروعیت رهبری ایشان از عوامل و عناصر چندی نشأت می گیرد که مرجعیت از مهمترین آنهاست. این مقاله نقش عوامل از جمله شخصیت فردی، شجاعت انقلابی، نفوذناپذیری و قاطعیت امام خمینی را در پیروزی انقلاب اسلامی بررسی می‌کند. این امر مستلزم بررسی مفهوم مرجعیت و جایگاه آن در کلام شیعه است که ابتدا مختصری به آن پرداخته شده است. سپس با بررسی کارکردهای عوامل، نقش این مقوله در قیام انقلابی امام خمینی و فراگیر شدن انقلاب و تبعیت مردم ایران از ایشان مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: امام خمینی، انقلاب، واکاوی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

مقدمه

واکاوی نقش شخصیت امام خمینی(ره) در شکل‌گیری انقلاب، دلایل ماندگاری نهضت اسلامی در کشورمان را برجسته می‌کند. در همه فرآیندهای شکل گرفته در جوامع بشری، از سازمان‌دهی‌ها گرفته تا جریان‌های اجتماعی، جایگاه رهبری نقش اصلی و غیرقابل انکاری دارد. یکی از مهم‌ترین و ملموس‌ترین مصادیق نقش برجسته رهبری در دنیا، سرپرستی و راهبری خیزش‌های مردمی و انقلاب‌هایی است که در برهه‌های گوناگون تاریخ و در نقاط مختلف دنیا به‌وقوع پیوسته‌اند.

اما اصل مهم دیگر که انقلاب سال ۵۷ ما را از دیگر انقلاب‌های دنیا متمایز می‌کند؛ اهداف، زیربنا و مسیری است که ملت مسلمان ایران برای تحقق حاکمیت نهضت اسلامی طی کردند و عامل تشخیص‌دهنده و همگراکننده تمامی موارد مذکور همان شخصیتی است که در راس قیام ملت به‌عنوان رهبر انقلاب قرار می‌گیرد.

بررسی نقش امام راحل در پیروزی انقلاب اسلامی/ از دلیری و شجاعتی مثال زدنی تا اعتقاد به انجام وظیفه و تکلیف الهی به بیان دیگر در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، مرجع ممتازی مانند امام خمینی(ره) با هدف مقابله با رژیم ستم‌شاهی و ریشه‌کن کردن ظلم و فساد همه‌جانبه در کشور حرکت را آغاز کرد. در ادامه هم با تکیه بر قدرت لایزال الهی و استمداد از ائمه معصومین (ع)، بهره‌گیری از معارف عمیق اسلام و پیمودن مسیر قیام حسینی و فرهنگ عاشورا؛ ارکان سلطنت طاغوت را درهم پیچید. زعامت امام راحل با اجرای اصول اسلام ناب، همان حقیقتی است که هیچ انقلاب و قیامی در اعصار گذشته پس از امامان معصوم (ع) به‌خود ندیدند و این همان رمز پایداری انقلاب اسلامی ایران است. نقش حساس رهبری در شکل‌گیری نهضت اسلامی و غلبه بر حاکمیت طاغوت و پیروزی انقلاب اسلامی موضوعی است که بر هیچ‌کس پوشیده نیست و همه کارشناسان نیز برای رهبری امام بزرگوار در شکل‌گیری انقلاب اسلامی جایگاه و اهمیت ویژه‌ای قائل هستند.

امام را حل رهبری مدبر، شجاع، متفکر، آگاه به زمان و مسائل جهانی بودند که با بهره‌مندی از شیوه‌های نوین و بدیع، بزرگترین انقلاب تاریخ معاصر را هدایت کرد. در تاریخ معاصر ایران نیز جنبش‌های دیگری شکل گرفتند، اما به‌دلیل نداشتن رهبری کارآمد و توانمند مانند امام به نتیجه مطلوب نرسیدند.

امام خمینی (ره) از چهره‌های تاریخ ساز بودند و به قول «یودو اشتاین باخ» مدیر مؤسسه شرق‌شناسی آلمان: «امام خمینی سیاسی‌ترین رهبر معنوی جهان، با شخصیتی جذاب و کاریزماتیک، تمام آرمان‌های جمهوری اسلامی که برمبنای آنها ساخته شده است، از افکار ایشان ریشه می‌گیرد».

مرجعیت و رهبری سیاسی امام خمینی

اجتماع انسانی برای استمرار حیات خود، نیازمند برخی مقولاتی است که از سوی اکثر افراد آن جامعه پذیرفته شده باشد و این مقولات اجتماعی نحوهٔ حرکت اجتماعی و نوع نگرش یکایک انسان‌های آن را

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

تعیین می‌کند؛ گرچه خود این مقولات در اثر گذر زمانی طولانی و پس از جرح و تعدیل بسیار و متأثر از حوادث مختلف اجتماعی شکل گرفته و تثبیت می شوند.

بنابراین علت تفاوت مقولات اجتماعی در جوامع مختلف به متفاوت بودن تجربه مردم آنها در طول تاریخ تحولات آن جامعه باز می‌گردد و این امر منجر به پیدایش نوع خاصی از فرهنگ در جوامع مختلف می‌شود؛ همین مسأله الگوهایی گوناگون از رهبری سیاسی در جوامع به وجود می‌آورد (بلاندل، ۱۳۷۸: ۳۹۵ ۳۹۶).

در فرهنگ شیعه مقولات عام اجتماعی و مسائل مربوط به حکومت در اجتماع و نحوهٔ نگرش فردی و اجتماعی افراد از یک سری اصول کلی مورد پذیرش شیعیان ناشی می‌شود و تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران لااقل از صفویه به این سو تحت تأثیر همین نگرش شکل گرفته است و به همین خاطر در تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی ایران نمی‌توان از این مسأله صرف‌نظر کرد.

نقش مرجعیت امام خمینی در قیام انقلابی شدن

با تثبیت مرجعیت امام خمینی پس از رحلت آیت‌الله بروجردی، میزان دخالت ایشان در امور سیاسی افزایش یافت و ایشان در اولین قدم فتوای حرمت تقیه را صادر کردند (محمدی، ۱۳۶۵: ۹۶). و بدین وسیله موانع موجود بر سر راه مبارزه را مرتفع ساختند. از سوی دیگر، ایشان معتقد بودند که امر به معروف و نهی از منکر در مسائلی که حیثیت اسلام و مسلمین در گرو آنهاست با مطلق ضرر، ولو ضرر نفسی یا حرج، رفع نمی شود و وجود حکومت طاغوت در جامعهٔ اسلامی بزرگترین منکر و همکاری با طاغوت از انکر منکرات است و سکوت علمای دین در صورتی که موجب تقویت طاغوت باشد حرام است و اعتراض و اظهار نفرت از ظالم بر ایشان واجب است، ولو اینکه این اعتراض در رفع ظلم ظالم مؤثر نباشد (امام خمینی، بی‌تا ج ۱: ۴۷۲-۴۸۲).

بنابراین امام خمینی با ارائهٔ بینشی تازه دربارهٔ امر به معروف و نهی از منکر و واجب دانستن اعتراض نسبت به حکومت ظالم از سوی علما گرچه احتمال تأثیر در آن نباشد مقدمات نظری انقلاب اسلامی را فراهم کردند و به این ترتیب مبانی مشروعیت نظری مبارزات خود را تحکیم بخشیدند. طبق همین نگرش، امام خمینی سکوت علما را در قبال عملکردهای رژیم موجب تأیید آن و کمک به دشمنان اسلام دانستند و با تمسک به حدیثی از امام معصوم که «هرگاه بدعتها ظاهر شدند بر عالم واجب است که علم خود را آشکار سازد و الاّ لعنت خدا بر او باد» از علما خواستند که دین خدا را یاری کنند و از سازمان‌های دولتی هراسی به خود راه ندهند (دوانی، ۱۳۷۷ ج ۳-۴: ۳۲۸).

به این ترتیب، امام خمینی با تحریم تقیه در مواردی که حیثیت اسلام در معرض خطر بود و نیز با ردّ تسلیم طلبی و انفعال، تفسیر تازه‌ای از امر به معروف و نهی از منکر ارائه دادند و موجب اشاعه تفکر مبارزه‌جویی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

و انقلابی در میان پیروان خود شدند و همهٔ این موارد با برخورداری ایشان از پایگاه مرجعیت شیعه امکان‌پذیر شد، چرا که در غیر این صورت امکان صدور فتوا از سوی ایشان در موارد مختلف از جمله تحریم تقیه در وجوب اعتراض در قبال حکومت طاغوتی نبود.

استمرار مبارزات عملی و نظری امام خمینی با رژیم پهلوی منجر به نفی سلطنت و خلاف شرع دانستن آن از سوی ایشان شد. به این ترتیب جواز قیام علیه قدرت مستقر صادر شد و تئوری انقلاب اسلامی شکل گرفت (شفیعی فر، ۱۳۷۵ ج ۲: ۳۲۶). نفی وضع موجود از سوی امام موجب تحول عظیمی در تفکر معاصر شیعی شد. امام خمینی فقط با استفاده از پایگاه مرجعیت شیعه توانستند رژیم سلطنتی پهلوی را غیر مشروع دانسته و «حکومت اسلامی» را به عنوان طرحی جایگزین ارائه نمایند.

بدین ترتیب، پس از درگذشت آیت الله بروجردی، مرحلهٔ جدیدی از حیات و نگرش شیعه و موضع‌گیری آن در قبال قدرت سیاسی آغاز شد که به طور عمده مرهون ظهور امام خمینی به عنوان مرجع شیعه و تفسیر انقلابی ایشان از مفاهیم فرهنگی شیعه بود.

ظهور امام خمینی به دو شکل موجب تحول در نگرش سیاسی شیعه و غالب شدن گفتمان انقلابی گری شد. نخست اینکه، امام خمینی با ارائهٔ تفسیر و قرائت جدید از مفاهیمی مانند انتظار و تقیه و شهادت و زدودن زنگار تسلیم طلبی و انزواگرایی از چهرهٔ این مفاهیم، زمینهٔ تفکر و ذهنیت انقلابی را مهیا ساخت و در شکل دوم امام خمینی به دلیل برخوردار بودن از موقعیت ممتاز مرجعیت دینی و پایگاه مردمی اش، موجب مشروعیت یافتن و فراگیر شدن برداشتهای جدید ارائه شده از سوی روشنفکران دینی شدند (هنری لطیف پور، ۱۳۷۹: ۱۷۸).

به این ترتیب، مرجعیت دینی امام خمینی از یک طرف مشروعیت اقدامات و مبارزات سیاسی ایشان را تأمین می کرد و از سوی دیگر سبب تغییر نگرش مردمی نسبت به مفاهیم موجود در فرهنگ سیاسی شیعه می‌شد. اوج این مسأله نفی مشروعیت سلطنت از سوی امام خمینی و به تبع آن صدور جواز قیام علیه آن و جایگزینی حکومت اسلامی به جای آن بود. وقوع چنین تحولاتی به دلیل برخورداری امام از پایگاه مرجعیت تقلید میسر شد. مردم و پیروان ایشان علاوه بر رجوع در مسائل دینی، در مسائل سیاسی نیز که با مسائل دینی پیوند عمیق دارد از ایشان پیروی کردند. به عنوان نمونه می‌توان از استفتا از امام خمینی برای شرکت یا عدم شرکت در انتخابات مجلس نام برد (آرشیو مرکز انقلاب اسلامی: سندهای ۳۷، ۳۹، ۴۲) که نتیجهٔ آن سقوط رژیم پهلوی و استقرار جمهوری اسلامی بود.

بنابراین مشروعیت رهبری امام خمینی، نه فقط به دلیل داشتن صفاتی صرفاً شخصی، بلکه به سبب قرار گرفتن در جایگاهی دینی بود که مردم مسلمان شیعه گوش جان به فرامین ایشان سپرده بودند و اطاعت از وی را برخود فرض و واجب می‌دانستند. از سوی دیگر، فراگیر شدن رهبری امام خمینی هم با توجه به مرجعیت ایشان ممکن شد، چرا که وقتی امام را در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ دستگیر کردند، مردم به عنوان حمایت

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

از مرجع تقلید خود و برای آزادی وی قیام کردند و به این ترتیب قیام ۱۵ خرداد رخ داد که اولین جرقه شروع انقلاب اسلامی و نفی مشروعیت رژیم شاه بود.

نقش ویژگی های شخصیتی امام (ره) در رهبری

از جمله ویژگی‌های شخصیتی امام (ره) که مورد توجه مردم در جریان انقلاب قرار گرفت استکبار ستیزی، صداقت شخصی استثنایی، ساده‌زیستی، داشتن اراده و توانایی یک رهبر قدرتمند، جرات باورنکردنی و استواری در برابر مشکلات بزرگ، ظرفیت غیرمعمولی برای مقاومت، حمایت از پابرهنگان و مستضعفان و هم‌دلی با آنان، ارتباطات فوق العاده و مجذوب‌کننده و مهارت‌های سخنوری بود (کوئن ۱۳۷۲: ۹۹).

امام خمینی (ره) رهبری بی‌چون و چرا بودند و روش زندگی شجاعانه و پرهیزکارانه داشتند. ایشان ملامت‌گر اسراف، حرص، خودباختگی و ظلم و... خاندان فاسد پهلوی بودند. پیش از انقلاب و پس از آن زندگی با تواضعی داشتند، غذای ساده می‌خوردند، لباس ساده می‌پوشیدند، روی زمین می‌خوابیدند و در عرصه عبادت و تهجد بی‌نظیر بودند. امام خمینی (ره) جلسات قرآن را هر روز تا پایان عمرشان برگزار می‌کردند. تمامی مصادیق ذکر شده از دلایل احترام بی‌حد و حصر مردمی به شخصیت امام بود.

روش سیاسی و بینش امام راحل از ایمان، معرفت عمیق دینی و الهی نشأت گرفته بود و شیوه رهبری ایشان نیز ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی داشت. تأمل و تدبیر در تصمیم‌گیری‌ها، مشورت با صاحب نظران، شنیدن همه دیدگاه‌ها، سعه‌صدر در برخورد با مخالفان تا جایی که به اصول و آرمان‌ها لطمه‌ای وارد نکند، صراحت در میان نظرات، امانت‌داری و حفظ اسرار یاران و همراهان، استفاده و بهره‌برداری از همه نیروهای دارای صلاحیت در سپردن امور به آنان، برخورد متواضعانه، عاطفی و اخلاقی با همراهان و همکاران، رعایت حیثیت و حرمت اجتماعی دست‌اندرکاران، اعمال شیوه‌های تربیتی و اخلاقی بیش از شیوه‌های ادارای و حکومتی از مهم‌ترین نکاتی است که در روش رهبری امام(ره) به چشم می‌خورد؛ کما این‌که همین شیوه‌ها، موجب شد تا توده‌های مردم در اطاعت از فرمان ایشان سر از پا نشناسند(بشیریه ۱۳۷۲: ۸۸).

دلیری و جرأت حضرت امام (ره) به الگویی برای نخبگان و توده‌ها تبدیل شد و در آفرینش روحیه انقلابی و گسترش آن که یکی از شرایط اصلی وقوع و تداوم انقلاب است، بسیار تاثیرگذار بود.

اعتقاد به انجام وظیفه و تکلیف الهی مبنای رهبری امام راحل

امام خمینی (ره) تربیت شده مکتب اسلام و عبد واقعی خداوند بودند، لذا به آنچه که تکلیف تشخیص می‌دادند، عمل می‌کردند. این اصول و شیوه رهبری همواره به تحکیم و افزایش اعتماد به ظرفیت و توان رهبری امام (ره) کمک می‌کرد و در شکل‌گیری رهبری بلامنازع ایشان موثر بود (سجد جامعی ۱۳۶۹: ۲۷).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

تربیت کادر انقلابی

یکی اقدامات مهم امام (ره) تربیت کادر انقلابی بود ایشان در سال‌های پیش از انقلاب به تربیت گروهی از شاگردان مورد اعتماد، معتقد و توانا همت گماردند و با حضور در شهرها و مناطق مختلف در زمینه‌سازی و تداوم انقلاب و از جمله در بسیج عمومی و گسترش ایدئولوژی انقلاب نقشی گسترده بر عهده داشتند.

تنظیم و اجرای راهبردها و تاکتیک‌های حرکت انقلابی

ایشان در تنظیم، اجرای استراتژی‌ها و تاکتیک‌های حرکت انقلابی نقشی بسیار ستودنی داشتند. بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی در هر مرحله‌ای از جریان انقلاب با توجه به وضعیت موجود در آن دوران، راهبردها و تاکتیک‌های خاصی را انتخاب کردند و در این زمینه هم ابتکار بسیاری به خرج دادند. به صحنه آوردن مردم، نخبگان و توده‌های مختلف مردم قطعا بدون وجود رهبری مقتدر امکان پذیر نبود. انقلاب اسلامی از جنبه پشتیبانی مردمی هم بی‌نظیر است و در جریان وقوع انقلاب اسلامی همه اقشار و افراد در صحنه حاضر شدند و فرمان امام (ره) را لبیک گفتند (طباطبایی ۱۳۴۱: ۱۴ ۱۶).

از طرف دیگر مردم به مقتدای و امام خویش و روش‌های ایشان در رهبری اعتماد بسیار بالایی داشتند. تبدیل مساجد و تکایا به مراکز آغاز تظاهرات و نقش شبکه روحانیت در سراسر کشور که همه مبتنی بر نقش امام (ره) در رهبری انقلاب بود، حرکتی بسیار گسترده و قدرتمند ایجاد کرد که رژیم شاه و حامیان خارجی آن را غافل‌گیر و ناتوان از انجام هر گونه عکس‌العمل بازدارنده کرد.

تشکیل و ثبات پایه‌های نظام جمهوری اسلامی

امام خمینی(ره) بعد از وقوع انقلاب اسلامی تشکیل نحوه تشکیل نظام را به رفراندوم عمومی گذاشتند، سپس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به آرای عمومی گذاشته شد و نظام اسلامی شکل گرفت.

بررسی نقش امام راحل در پیروزی انقلاب اسلامی/ از دلیری و شجاعتی مثال زدنی تا اعتقاد به انجام وظیفه و تکلیف الهی لذا می‌بینیم که تمامی ساختارها و مقامات عالی رتبه این نظام با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شوند. امام (ره) تشکیل نظام مردم سالاری دینی را محقق کرد و در ادامه راه جدیدی را به ملت‌های مسلمان و آزادی‌خواهان جهان نشان دادند. بدون شک امام(ره) تاریخ ساز و اندیشمندی بزرگ بودند که با برنامه‌ریزی دقیق و تنظیم شایسته راهبردها، تاکتیک‌ها و اراده پولادین توانستند به سرعت رژیم وابسته پهلوی را سرنگون و نظام جمهوری اسلامی ایران را پایه‌ریزی کنند (کدی ۱۳۷۵: ۴۹).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

جایگاه ولایت فقیه

امام خمینی(ره) ولایت فقیه را نه تنها برخاسته از متون دینی ـ اسلامی می دانند، بلکه آن را برخوردار از چنان جایگاه دینی ـ اسلامی می‌دانند که پس از اصول اعتقادی در رتبه نخست احکام الهی دانسته و برتر از همه احکام و فروعات دینی شمرده است. اینک برخی از فرازهای سخنان ایشان در این زمینه نقل می شود: «حکومت به معنای ولایت مطلقه ای که از جانب خدا به نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم واگذار شده، ... از اهم احکام الهی است و بر جمیع احکام فرعیه الهیه حتی نماز، روزه و حج تقدم دارد.... حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است در مواقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد یک جانبه لغو کند و می‌تواند هر امری را چه عبادی و یا غیرعبادی است که جریان آن مخالف مصالح اسلام است از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند، حکومت می‌تواند از حج که از فرایض مهم الهی است در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی می‌دانست موقتاً جلوگیری کند... ولایت فقیه و حکم حکومتی از احکام اولیه است...».

گرچه حکومت و حکم حکومتی به فرموده امام راحل از احکام اولیه اسلام اند و بر همه فروع دینی حتی نماز، روزه و حج، مقدم‌اند ولی با احکام اولیه دیگر این تفاوت را دارند که چون احکام اولیه دیگر، این تفاوت را دارند که براساس مصالح کلی و دائمی وضع شده‌اند، ثابت و تغییرناپذیرند، ولی احکام حکومتی، چون براساس مصالح مقطعی و محدود وضع شده اند، تغییرپذیر و موقتی‌اند.

امام خمینی(ره) درباره سنخ، ماهیت و اهمیّت احکام حکومتی نیز فرمودند: «اوامر و نواهی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه معصومین علیهم السلام در احکام الهی، ارشادی است، همانند اوامر فقها نسبت به مقلدان خود. مخالفت مردم در این موارد، مخالفت با خدا به شمار می‌رود نه مخالفت با پیامبر و ائمه و فقها (حائری، ۱۳۶۷: ۳۳۰).

اما دستور پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به اعتبار رهبر امت، غیر از فرمانی است که وحی الهی را ابلاغ می‌کند. بلکه اوامر مستقل ـ نه ارشاد به حکم شرع و همانند احکام الهی اطاعت از آن واجب می‌باشد. هر روایتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و یا علی علیه‌السلام با الفاظی همچون «قضی»، «حکم» و امثال آن آمده، حکم شرعی نیست بلکه اوامر سلطانی و قضایی آنان به شمار می‌رود که لازم الاجرا بوده و قابل فسخ و تغییر نیستند».

ارائه طرح برای آینده:

پس از اوج‌گیری نهضت روحانیت و قیام ۱۵ خرداد ۴۲ و در شرایطی که نیروهای انقلابی و مبارز، ضرورت تحولی اساسی را در جامعه احساس می‌کردند، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها، «طرح آینده» بود. حداقل دو تجربه ناکام در ذهن عمومی جامعه وجود داشت که هر طرحی برای مبارزه را به چالش

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

می‌کشید. مبارزات دوره مشروطیت و انحراف آن به نفع استعمار انگلیس و استقرار رژیم پهلوی و نیز مبارزات ملی شدن صنعت نفت و عدم مدیریت موفق آن در نیل به اهداف ـ که عملاً دیکتاتوری و وابستگی بی‌قید و شرط شاه را به آمریکا در پی داشت ـ استراتژی مبارزه و هدف آن را مواجه با دشواری می‌ساخت. از طرفی مبارزه با استبداد و وابستگی شاه در چارچوب قانون اساسی و رژیم سلطنتی، ناموفق می‌نمود و از سوی دیگر، طرح هرگونه جایگزینی ـ در شرایط حاکمیت نظام دو قطبی در ساختار سیاسی بین‌الملل و همسایگی دیوار به دیوار ایران با شوروی و نفوذ عمیق آمریکا در لایه‌های مختلف اقتصاد و سیاست و فرهنگ کشور ـ بسیار حسّاس و خطیر تلقی می‌شد. در این میان نظریه سیاسی امام خمینی(ره) در قالب کتاب «ولایت فقیه یا حکومت اسلامی»، در سال ۴۹ مخفیانه منتشر شد و خلاء طرح جایگزین را پر کرد. این کتاب که مطالب درسهای امام در نجف اشرف بود دور از چشم مأموران ساواک و دست به دست بین نیروهای مومن و انقلابی می‌گشت و اندیشه استوار نظام سیاسی اسلام را القاء می‌کرد. اهمیت انتشار این کتاب در آن زمان برای جهت‌دار کردن مبارزه و برانگیختن مباحث تحقیقاتی و علمی پیرامون چگونگی تشکیل یک حکومت دینی، با توجه به اقتضائات زمان و تجربه‌های بشری، و قابل عمل نشان دادن این هدف، و نیز تشدید و تقویت انگیزه‌های اسلامی مبارزه، انکارناپذیر است. البته این کتاب حاوی استدلال‌های فقهی برای اثبات مسئله و ارکان و کلیات آن بود، ولی همین اصول و ارکان، در ارائه دورنمایی از آینده ـ دورنمایی که از پشتوانه‌ای دینی و اعتقادی و تاکید و تأیید مرجع تقلیدی برجسته برخوردار است بسیار موفق و مؤثر بود و نشان می‌داد استراتژی مبارزه امام، استراتژی ای آینده‌نگر، واقع‌بینانه و درازمدت است و حرکت امام(ره) فراتر از جنبه سلبی، دارای جنبه اثباتی و ایجابی هم هست. این عامل قطعاً در شکل‌گیری رهبری بلامنازع امام مؤثر بود و چشم‌انداز روشنی را برای مبارزه ترسیم می‌کرد (مطهری: ۱۸۲).

شیوه رهبری حضرت امام خمینی (ره):

از آنجا که انگیزه، بینش و روش سیاسی امام(ره) برخاسته از ایمان و معرفت عمیق دینی و الهی وی بود، شیوه رهبری ایشان نیز مختصات ویژه‌ای داشت، که اعمال همین شیوه‌ها، موجب گسترش چتر رهبری ایشان و جذب و جلب اقشار و نیروهای انقلابی می‌شد و حتی به تدریج رقبای ایشان را هم به همکاری و همراهی وا می‌داشت. گرچه واقعیات پس از انقلاب، پرده از روی انگیزه‌های بسیاری از این همراهی‌ها برداشت، ولی نفس همراهی نشان دادن این چهره‌ها، حکایت از توفیق شیوه رهبری ایشان داشت.

تأمل و تدبیر در تصمیم‌گیری‌ها، مشورت با اهل نظر و شنیدن همه دیدگاهها، سعه‌صدر در برخورد با مخالفان ـ تا جایی که به اصول و آرمان‌ها لطمه‌ای وارد نسازد ـ صراحت در میان نظرات، امانتداری و حفظ اسرار یاران و همراهان، استفاده و بهره‌برداری از همه نیروهای دارای حداقل صلاحیت، در سپردن امور به آنان، برخورد متواضعانه، عاطفی و اخلاقی با همراهان و همکاران، رعایت حیثیت و حرمت اجتماعی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

دست‌اندرکاران، اعمال شیوه‌های تربیتی و اخلاقی بیش از شیوه‌های اداری و حکومتی؛ از مهم‌ترین نکاتی است که در روش رهبری امام ملاحظه می‌شود. البته هیچکدام از این امور، مانع عمل امام به آنچه آن را «تکلیف» تشخیص می‌دادند، نمی‌شد و چه بسا ـ چه قبل و چه پس از شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ـ نظر و عقیده دیگران را می‌شنیدند و مشورت‌های لازم را انجام می‌دادند، ولی در مواردی نیز به تشخیص و تصمیمی، برخلاف نظر مشاوران می‌رسیدند و با توجه به اقتضائات و مصالح، همان را عملی می‌ساختند. این اصول و شیوه رهبری همواره به تحکیم و افزایش اعتماد به ظرفیت و توان رهبری امام(ره) کمک می‌کرد و در شکل‌گیری رهبری بلامنازع ایشان موثر بود (بازرگان: ۱۱۴).

تلاش‌های حضرت امام خمینی (ره) در رهبری نهضت اسلامی از دهه ۴۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی:

ـ امام در این مدت همه جنبه‌های رهبری در حرکت انقلابی را با هوشمندی و توانایی ویژه و نتایج خیره‌کننده‌ای به انجام رسانیده است از جمله:

۱- تربیت کادرهای انقلابی:

امام در سال های پیش از انقلاب به تربیت گروهی از شاگردان مورد اعتماد و معتقد و توانا همت گمارد که با حضور در شهرها و مناطق مختلف در زمینه‌سازی و تداوم انقلاب و از جمله در بسیج عمومی و گسترش ایدئولوژی انقلاب نقشی گسترده به عهده داشتند.

۲- بیان و گسترش ایدئولوژی انقلاب اسلامی:

گسترش ایدئولوژی انقلابی یکی از شرایط بنیادی وقوع انقلاب است. حضرت امام از یک طرف با حرام اعلام کردن تقیه در دوره پیش از انقلاب و از طرف دیگر با تذکر جنبه‌های انقلابی مفاهیم مذهبی از قبیل عاشورا به بیان وظیفه قشرهای مختلف در مبارزه با رژیم طاغوت پرداختند و از طرف دیگر با درس‌های حکومت اسلامی و ولایت فقیه در سال ۱۳۴۸ در زمان تبعید در نجف اشرف، حکومت جایگزین را معرفی نمودند. این مرحله‌ای بسیار مهم در رخداد انقلاب اسلامی بود و بدون این تلاش‌ها پیروزی انقلاب و تشکیل حکومت جمهوری اسلامی امکان‌پذیر نبود.

۳- بسیج عمومی و به صحنه آمدن نخبگان و توده‌ها:

انقلاب اسلامی از جنبه میزان نخبگان و توده های شرکت‌کننده بی‌نظیر است. به جز وابستگان به رژیم سابق که در مقابل انقلاب قرار داشتند، تقریبا همه اقشار و افراد در صحنه حاضر شدند و فرمان امام را لبیک گفتند. اعتماد بسیار بالای مردم به امام خمینی و روش‌های ایشان در رهبری و همچنین تبدیل مساجد و تکایا به مراکز آغاز تظاهرات و نقش شبکه روحانیت در سراسر کشور که همه مبتنی بر نقش امام در

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

رهبری انقلاب بود، حرکتی بسیار گسترده و قدرتمند ایجاد کرد که رژیم شاه و حامیان خارجی آن را غافلگیر و ناتوان از انجام هر گونه عکس العمل بازدارنده‌ای نمود.

ایشان غذاهای ساده می‌خوردند، لباس ساده می‌پوشیدند، روی زمین می‌خوابیدند و با پشتکار مداوم نماز شب می‌خواندند. امام خمینی(ره) جلسات قرآن را هر روز تا پایان عمرشان برگزار می کردند.

٤- تشکیل نظام جمهوری اسلامی:

امام خمینی با پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل نظام جدید را به رفراندوم عمومی گذاشت و سپس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به آرای عمومی گذارده شد و بدین ترتیب یک نظام اسلامی پدید آمد که همه ساختارها و مقامات عالی رتبه آن با رای مستقیم مردم برگزیده می شوند. امام در عصر نظام‌های حکومتی دنیوی، تشکیل نظام مردم سالاری دینی را به تحقق رساند و راه جدیدی را به ملت‌های مسلمان و جهانیان نشان داد که هم به انجام فرامین الهی پایبند است و هم به نقش مردم در سیاست تاکید می کند (روحانی ۱۳۵۹ ج ۱: ۹۵).

نتیجه گیری

رهبری امام خمینی یکی از مهمترین عوامل شروع، تداوم، پیروزی و تثبیت انقلاب اسلامی در ایران بوده است. مهمترین بحث در رهبری سیاسی، بررسی دلایل پیروی و اطاعت مردم از «رهبر» است که از آن به عنوان «مشروعیت» تعبیر می‌شود. عوامل مؤثر در مشروعیت سیاسی رهبر در هر انقلاب و نظام سیاسی به شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن جامعه بستگی دارد. در ایران به دلیل حاکمیت فرهنگ تشیع، بحث اجتهاد، تقلید و مرجعیت مقبولیت و رواج یافته و به جزئی از فرهنگ اجتماعی و مذهبی مردم تبدیل گردیده است. به همین دلیل نهاد مرجعیت از پشتوانهٔ فرهنگی، فکری و اجتماعی برخوردار شده و برخی کارکردهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را به خود اختصاص داده است که مشروعیت عملکرد و رهبری سیاسی اجتماعی «مرجع» را تأمین می کند.

امام خمینی از دههٔ ۱۳۴۰ با برخوردار شدن از عنوان مرجعیت، مبارزات خود را با رژیم شاه و عملکردهای مخالف اسلام آن رژیم شروع کرد و رژیم شاه که مخالفتهای ایشان را تحمل نمی‌کرد، ایشان را در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ دستگیر و زندانی کرد. مردم با شعار حمایت از مرجع تقلید خود دست به قیام زدند که در نتیجهٔ آن واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ رخ داد و این تاریخ به مثابهٔ نقطه شروع انقلاب اسلامی درآمد. از آن پس امام خمینی به صورت رهبر بلامنازع نهضت اسلامی مطرح گردید و ادامهٔ منطقی این نهضت به پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ منجر شد. به این ترتیب، مرجعیت نقش عمده‌ای در شکل گیری و پیروزی انقلاب اسلامی و رهبری سیاسی امام خمینی ایفا کرد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

فهرست منابع و مآخذ

ـ آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی. شمارهٔ بازیابی ۶۶۲.

ـ آقابخشی، علی و مینو افشاری راد. (۱۳۷۵). فرهنگ علوم سیاسی. چاپ دوم. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.

ـ بازرگان، مهدی. «انتظار مردم از مراجع». بحثی دربارهٔ مرجعیت و روحانیت.

ـ بشیریه، حسین. (۱۳۷۲). انقلاب و بسیج سیاسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ـ بلاندل، ژان. (۱۳۷۸). حکومت مقایسه‌ای. ترجمهٔ علی مرشدی زاد. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

ـ حائری، عبدالهادی. (۱۳۶۷). نخستین رویارویی‌های اندیشه گران ایران با دو رویهٔ تمدن بورژوازی غرب. تهران: امیرکبیر.

ـ خمینی، روح الله. (۱۳۷۸). صحیفهٔ امام. تهران: مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی. چاپ اول. ۲۲ ج. بی‌تا). تحریر الوسیله. قم: اسماعیلیان.

ـ دوانی، علی. (۱۳۷۷). نهضت روحانیون ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی. چاپ دوم.

ـ رجبی، محمدحسن. (۱۳۷۸). زندگینامهٔ سیاسی امام خمینی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی. چاپ دوم.

ـ روحانی، سید حمید (زیارتی). (۱۳۵۹). بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی. تهران: انتشارات راه امام. چاپ ششم.

ـ شفیعی‌فر، محمد. (۱۳۷۵). «بینش اجتهادی در انقلاب اسلامی ایران». تأملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی. به اهتمام موسی نجفی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ـ شیخ فرشی، فرهاد. (۱۳۷۹). تحلیلی بر نقش سیاسی عالمان شیعی در پیدایش انقلاب اسلامی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

ـ طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۴۱). «اجتهاد و تقلید در اسلام و شیعه». بحثی دربارهٔ مرجعیت و روحانیت. تهران: شرکت سهامی انتشار.

ـ علم، امیراسدالله. (۱۳۷۱). گفتگوهای من با شاه: خاطرات محرمانه امیراسدالله علم. ترجمهٔ: زیر نظر عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تهران: طرح نو. چاپ دوم.

ـ کوئن، بروس. (۱۳۷۲). درآمدی به جامعه‌شناسی. ترجمهٔ محسن ثلاثی. تهران: فرهنگ معاصر. چاپ سوم.

ـ محمدی، منوچهر. (۱۳۶۵). تحلیلی بر انقلاب اسلامی. تهران: امیرکبیر.

ـ مسجد جامعی، محمد. (۱۳۶۹). زمینه های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن. تهران: انتشارات الهدی.

ـ مطهری، مرتضی. «مشکل اساسی در سازمان روحانیت». بحثی دربارهٔ مرجعیت و روحانیت.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

ـ نیکی، آرکدی. (۱۳۷۵). ریشه‌های انقلاب ایران. ترجمهٔ عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

ـ هنری لطیف پور، یدالله. (۱۳۷۹). فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]